

در سمینار واکاوی علمی ابعاد فجایع سردشت، حلبچه و

انفال در دانشگاه اصفهان عنوان شد:

## ضرورت طرح شکایت وزارت خارجه عراق در دیوان بین المللی دادگستری جهت اثبات ژنوسید علیه کردها و نامگذاری روز بمباران شیمیایی حلبچه به عنوان روز جهانی مبارزه با تسلیحات شیمیایی

سمینار علمی " واکاوی علمی ابعاد فاجعه انسانی سردشت، حلبچه و انفال" در دانشگاه اصفهان توسط دانشجویان کُرد این دانشگاه با همکاری انجمن علمی علوم سیاسی برگزار شد. در ابتدای همایش، پس از یک دقیقه سکوت برای ادای احترام به جانبازان و قربانیان این فجایع جلال حاجی زاده دبیر همایش ضمن خیر مقدم اساتید، پژوهشگران و دانشجویان و مهمانان با زبان کردی بر ضرورت " ایجاد مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی بمباران شیمیایی شهرهای سردشت و حلبچه" - که پیام اصلی سمینار نیز بود- به منظور توسعه رویکرد علمی نسبت به این فجایع تأکید و خواستار اتخاذ تدابیری اساسی برای جلوگیری از تکرار این گونه فجایع شده و در ادامه هدف اصلی برگزاری سمینار را در سه محور برشمرد:

۱- گسترش رویکرد علمی و آکادمیک جهت بررسی فجایع مذکور ۲- ارتقاء سطح سمینارهای سالانه حلبچه و تغییر دیدگاه سنتی حاکم بر یادبودها و استفاده از خوانشی جدید دانست. ۳- ضرورت توسعه نگرشی وسیع به آن فجایع که همگی ژنوسید خلاصه می شوند.

دکتر ستار عزیززی، استاد دانشگاه بوعلی سینای همدان، مقاله خود را با قرائت شعر «سرباز گمنام» آغاز و سپس به موضوع امکان طرح دعوی حلبچه در دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) پرداخت.

ایشان پس از توضیح ماهیت دعاوی و اینکه هدف از دعاوی کیفری و طرح آنها، مجازات مرتکبین جنایات بین‌المللی است، سه نوع دادگاه را صالح برای رسیدگی به این شکایات دانست؛

**الف:** دادگاه کشور محل ارتکاب جرم: که پرونده مربوط در دادگاه کیفری عالی عراق مطرح است.

**ب:** دادگاه کشور متبوع مرتکب جرم: شکایات مردم شهرهای سردشت و حلبچه در دادگاه جزایی داخلی کشور هلند علیه «آنرات» تبعه هلندی طرح و منجر به صدور حکم به ۱۷ سال حبس برای وی گردیده.

**ج:** اعمال اصل صلاحیت جهانی: که در این خصوص اقدامی صورت نگرفته است.

دکتر عزیزی در ادامه سخنان خود گفت: مراجع بین‌المللی موجود برای شکایت در این خصوص دیوان کیفری بین‌المللی، دادگاه‌های کیفری ویژه ملل متحد و دادگاه‌های مختلط هستند. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی از سال ۲۰۰۲ به بعد اجرایی شده و جرایم صورت‌گرفته قبل از آن سال را شامل نمی‌شود چون خارج از صلاحیت زمانی آن است. همچنین دادگاه‌های کیفری ویژه ملل متحد مربوط به مورد خاصی هستند مانند دادگاه رواندا، اما به دلیل ملاحظات سیاسی، این نوع دادگاه برای بررسی و رسیدگی به جنایات بعث تشکیل نشده است. نکته حایز اهمیت در این گونه دادگاه‌ها این است که صرفاً قضات بین‌المللی امر رسیدگی و صدور حکم را انجام می‌دهند ولی دادگاه‌های مختلط از طریق سازمان ملل تشکیل می‌شوند که قضات داخلی هم در آن دخیل خواهند شد؛ مانند قضیه سیرالئون.

دکتر عزیزی استاد و صاحب‌نظر حقوق بین‌الملل در ادامه دلایل اهمیت آراء صادره از مراجع بین‌المللی را برخوردار بودن از اهمیت علمی ویژه، استفاده از قضات مستقل و با تجربه، توجه کامل به حقوق متهم و دفاعیات وی و انعکاس و بازتاب گسترده این آراء در عرصه بین‌المللی دانسته و گفتند دیوان بین‌المللی دادگستری «ICJ» رکن قضایی سازمان ملل است که به لحاظ اهمیت و اعتبار این نهاد قضایی بین‌المللی و پذیرش اساسنامه «ICJ» توسط تمام دول عضو سازمان ملل و اینکه هیچ دولتی به خود اجازه عدم پذیرش رأی دیوان را نمی‌دهد مهم خواهد بود. یه‌نی آرای دیوان لایتخلف هستند.

سپس دکتر ستار عزیزی علت عدم طرح این دعوی در «ICJ» را اینگونه اعلام نمود: صرفاً دولتها می‌توانند در «ICJ» شرکت و طرح شکایت کنند که تاکنون هیچ دولتی وقوع ژنوسید علیه کردها را در این دادگاه طرح نکرده. به نظر ایشان باید دولت عراق علی‌الخصوص وزارت خارجه آن کشور این کار را بکند و دعوی نیز باید علیه دولتهایی که با در اختیار گذاشتن سلاح‌های شیمیایی وقوع این فجایع را تسهیل کرده‌اند، طرح شود زیرا پس از اثبات اتهام معاونت در ژنوسید دیوان حکم قانونی را صادر خواهد کرد. هرچند که وقوع ژنوسید علیه کردها در پرونده آنرات با دلایل متقن به اثبات رسیده است.

دکتر عزیزی کشورهای سنگاپور، هلند، مصر، هند، آلمان غربی و برخی از شرکتهای غربی را به عنوان کشورهای که سلاح شیمیایی را در اختیار دولت عراق قرار داده‌اند برشمرده و مبنای صلاحیت دیوان برای رسیدگی را کنوانسیون جلوگیری از ژنوسید مصوب ۱۹۴۸ مخصوصاً ماده ۹ آن دانست.

با توجه به اینکه دول کمک‌کننده از نحوه استفاده از این گونه مواد مطلع بوده، این امر به معنای معاونت در جرم است که نیازی به احراز وحدت قصد «بند ۵۴۰ رأی» نخواهد بود و با توجه به اینکه عملیات انفال علیه کردها چندین سال طول کشیده و این امر هم نشانه اطلاع و آگاهی کشورهای کمک‌کننده از وقوع ژنوسید می‌باشد. حتی اگر طرف شکایت از اتهام معاونت در ژنوسید تبرئه شوند اینکه «ICJ» وقوع ژنوسید را تایید می‌کند نکته مهمی است و فشار مضاعفی را بر آن دولتهای کمک‌کننده به صدام وارد

کرده و دارای اثرات تاریخی مفیدی خواهد بود که این جرم در حافظه تاریخی دنیا هم ثبت می‌شود.

ریباز قربانی نژاد دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، بحث مفصل خود را به بیان ارزش‌های ژئوپولتیک منطقه کردستان و ویژگی‌های جغرافیایی این منطقه از خاورمیانه اختصاص داد که پس از توصیف وضعیت حقوقی و جغرافیایی کردستان، ژئوپولتیک آن را به دو بخش ژئوپولتیک آب و ژئوپولتیک انرژی تقسیم کرده که در ژئوپولتیک آب به بررسی آب در مناسبات دولتها و کشورها پرداخته می‌شود و آب عامل تعیین کننده‌ای است که کردستان دارای بارش فراوانی بوده و سرچشمه بسیاری از رودخانه‌ها در کردستان واقع شده است که بر این مبنا بسیاری از کشورها به آب کردستان وابسته‌اند اما در ژئوپولتیک انرژی به مطالعه و نقش انرژی و ابعاد مختلف آن در سیاست‌های منطقه‌ای پرداخته می‌شود و مهمترین منبع انرژی هم نفت است که در کرکوک وجود دارد. طبق آمار رسمی، ۵۰ درصد نفت عراق در منطقه کردستان قرار دارد که با توجه به اینکه عراق دارای ۱۰ درصد ذخائر نفت جهان است، ۵ درصد ذخائر نفتی جهان در کردستان واقع شده است. همچنین آهن و مس در کردستان ترکیه و نفت در کردستان ایران به وفور دیده می‌شود.

بنا به گزارش سایت پوشه‌ر، قربانی نژاد با اشاره به قانون اساسی کردستان عراق و ماده ۲ از بند اول آن و ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق که بر تعیین مرزها تأکید دارد گفتند بر اساس ماده ۶ ملت کردستان از تمامی ملتهای منطقه تشکیل شده است که صرفاً نصف مناطق کردنشین در اختیار حکومت اقلیم قرار دارد و ۴۰ هزار کیلومتر بقیه نیز بر اساس ماده ۱۴۰ در آینده تعیین خواهد شد و با توجه به اینکه بیشتر رودخانه‌های کردستان مسیر شمالی و جنوبی را طی می‌کنند این مسئله باعث بالا رفتن وزن سیاسی و اهمیت کردهای عراق شده است.

در خاتمه، وضعیت جغرافیایی و موقعیت شهر حلبچه برای حاضران بر روی نقشه و تصاویر تشریح و اقوال مختلف در مورد وجه تسمیه این شهر بیان شد که با ذکر سابقه حکمرانان حلبچه، اعلام شد که این شهر صدسال پیش دارای حکمرانی زن به نام عادل خان بوده و نتیجه گرفت این امر نشان دهنده حضور و نقش زنان در گذشته این شهر دارد. همچنین تا قبل از بمباران شیمیایی ۱۶ مارس، این شهر مهمترین مرکز امور سیاسی کردستان محسوب می‌شد.

مصطفی اسد زاده عضو مؤسس انجمن غیردولتی دفاع از حقوق مصدومین شیمیایی سردشت که پنج (۵) نفر از اعضای درجه اول خانواده‌اش را در بمباران شیمیایی سردشت از دست داده، به بیان برخی از زوایای این فاجعه و ارتباط آن با بمباران شیمیایی حلبچه پرداخت. بنظر آقای اسدزاده، سکوت مجامع جهانی و عدم انعکاس فاجعه سردشت موجب خلق فاجعه‌ای سنگین‌تر آن هم هفت ماه بعد در شهر حلبچه شد و چنانچه کشورهای جهان و منطقه در خصوص فاجعه سردشت موضعی را اتخاذ و آن را محکوم می‌کردند به هیچ وجه حکومت بعث هفت ماه بعد همان جنایت را با ابعاد وسیع در حلبچه تکرار نمی‌کرد.

این مصدوم شیمیایی و تنها بازمانده خانواده اسدزاده در خاتمه خواستار توجه به مصدومین و بررسی شایان فجایع سردشت و حلبچه و عملیات انفال شد.

مقاله ارسالی بعدی به همایش، مقاله دکتر اکبر ولدبیگی که تحت عنوان "تراژدی حلبچه: گذری آسیب‌شناختی بر سویه‌های جامعه‌شناختی - حقوقی مسأله از دیدگاه تاریخی و بین‌الملل" نگارش یافته بود به نیابت توسط محمد قربانی فر ارائه گردید. بنظر دکتر ولدبیگی اگر مسأله کردها در عراق حل نشود، صلح و وحدت نیز هیچگاه استقرار پیدا نمی‌کند و در گذشته ما شاهد کوچ اجباری کردها و ساکن کردها عربها در مناطق گردنشین و عملیات انفال و ژنوسید بوده ایم اما اکنون ژنوسید فرهنگی علیه این مردم به وضوح صورت می‌گیرد. با توجه به اینکه حکومت عراق نمونه‌ای از ملیتاریسم بوده و ارتش نفوذ بسیاری در ارکان حکومتی آن کشور داشته و بعث یک نگاه سنتی است که همیشه از مدرنیته می‌ترسد، هدف اساسی بعث پاکسازی نژادی کردها و از بین بردن این قوم ریشه‌دار بوده .

اکبر ولدبیگی پژوهشگر مسائل اجتماعی معتقد است که خاورمیانه دارای یک اقتصاد تک محصولی و متکی به نفت است و حکومت‌های آن نیازی به مشروعیت مردمی ندارند . همین امر باعث شده که دولت‌ها وابسته به مردم نباشند حتی بی‌نیاز از دریافت مالیات از مردم هستند و از آنجائی که تشکیل اقلیت‌ها ناشی از افکار مُدرن غربی‌هاست با هرگونه اقلیت و مطالبات حق طلبانه آنان به مبارزه برمی‌خیزند و حلبچه هم محصول کجراهه تک نژادی صدام است که در شرایط فعلی هم هر لحظه احتمال تکرار چنین فجایعی وجود دارد. دکتر جلال شفیعی مدرس پیشین علوم سیاسی دانشگاه رازی کرمانشاه و استاد مدعو دانشگاه صلاح‌الدین اربیل کردستان عراق، موضوع تحقیقات خود را به گفتمان‌های سیاسی کُرد اختصاص داده و پس از توضیح قدرت و اینکه مرکز ثقل گفتمان، قدرت است سه نوع گفتمان کردها که مرکز ثقل همه آنها به «حذف فیزیکی» برمی‌گردد تبیین نموده و حفظ بقای فیزیکی و تأسیس دولت کُردی را از جمله این گفتمان‌ها برشمرد.

به اعتقاد جلال شفیعی، پژوهشگر مسایل سیاسی منطقه تلاش کردها برای تأسیس دولت پاسخی اجتناب‌ناپذیر به حذف کردها بوده و علت اساسی تلاش برای حفظ بقای فیزیکی کردها، بی‌توجهی جامعه بین‌المللی به این قوم است که تأسیس گروه‌های اجتماعی در حاشیه قرار گرفته و اقوام به ناچار به تأسیس دولت روی می‌آورند . علاوه بر آن بنیان‌های توسعه و آبشخورهای آن در چهار کشوری که کردها در آنها زندگی می‌کنند ضعیف است که تمامی این عوامل منجر به توسعه فعالیت‌های کردها شده است.

خانم لیلا مروّتی، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد، به طور مفصل به بررسی ابعاد نسل‌کشی در منطقه خاورمیانه پرداخته که پس از بیان تعریف «اقلیت»، این مفهوم را نه از دیدگاه کمی و عددی بلکه آن را از نظر برخورداری از حقوق مدنی و سیاسی تعریف نموده و اشعار داشتند که اقلیت گروهی است که از کمترین حقوق مدنی و سیاسی در آن جامعه برخوردار است، هرچند که از نظر عددی در اکثریت باشند.

لیلا مروّتی، تنها راه حلّ پایان بخشیدن به مشکلات اقلیت‌ها را داشتن ابزار دمکراتیک در کنار فکر دمکراتیک دانسته و باتوجه به وجود احزاب در این کشورها که فاقد کیفیت کار و فعالیت قابل توجه هستند، این امر را تأمین‌کننده دمکراسی ندانسته و به زعم ایشان دولت‌های رانتهی، دولت را نسبت به مردم مستغنی کرده و این موجب گسترش استبداد است که برهمین اساس نیز رویکرد دولت‌های عراق و ترکیه یک رویکرد نظامی در قبال شهروندان گرد بوده و هست و هیچ حکومتی نمی‌تواند مدعی باشد که تا ابد بر مردم حکومت می‌کند که حکومت بعث هم با توجه به این اصل ساقط شد.

عثمان مزین دبیر کمیته حقوقی انجمن دفاع از حقوق مصدومین شیمیایی سردشت جهت قرائت پیام این انجمن دعوت شده که پس از قرائت آن، دبیر کمیته حقوقی ضمن اشاره به سالگرد بمباران شیمیایی گوت تپه در کردستان عراق و شهادت بیش از ۳۰۰ نفر در اثر این فاجعه در ۴ ماه می ۱۹۸۷ با بیان اینکه کشورهای تجاوزگر، کشور مدافع را ناچار به استفاده از سلاح و تسلیحات به منظور دفاع از خود می‌کنند، کشور متجاوز را مسبب و علت اساسی اقدامات نظامی مدافع دانسته فلذا تجاوزگر در این خصوص نیز دارای مسئولیت خواهد بود.

پس از قرائت مقاله ارسالی سید مختار هاشمی دانشجوی دوره دکتری از دانشگاه نیوکاسل انگلستان به زبان انگلیسی، هژار آریانفر، فاجعه حلبچه را از دیدگاه عدالت انتقالی مورد کنکاش قرار داده و به بیان مواردی از اقدامات دول خاورمیانه جهت نابودی شهروندان پرداخت. ایشان اظهار داشتند که عدالت نه تنها در رابطه با مجازات بانیان بلکه اعاده حیثیت صدمه‌دیدگان نیز موردنظر است و بی توجهی به زیان دیدگان هم نوعی بی عدالتی بوده و در فرایند گذار از نظام‌های غیردمکراتیک تنها ارائه راهکارهای مثبتی بر خشونت پاسخگو خواهد بود چون با محاکمه بانیان این جنایت‌ها بسیاری از نیروهای تأثیرگذار کنار گذاشته و این نیروها نیز علیه دولت جدید اقدام می‌کنند و از آنجا که دولت جدید احتیاج به حمایت اقشار جامعه دارد این وضعیت در اصل منجر به صدمه به دولت جدید خواهد بود.

آقای آریانفر، روزنامه‌نگار و پژوهشگر مسائل اجتماعی، ۳ مدل برای مواجهه را ذکر کرد:

الف- مدل انتقام، اعدام: جوامع سنتی بیشتر به آن گرایش دارند.

ب- مدل عدالت انتقالی: که در جوامع در حال گذر از جنگ به صلح به قصد حاکم کردن دمکراسی اجراء می‌گردد.

ج- مدل بخشش و آشتی ملی: در این مدل کمیسیون‌های کشف حقیقت و کمک مالی به خانواده‌های قربانیان و اعلام آشتی ملی مدنظر قرار می‌گیرد.

علی اسماعیل‌نژاد، عضو برجسته انجمن ایزیرتو بوکان و فعال فرهنگی به بررسی ایدئولوژی‌ها و ژنوساید پرداختند. به موجب سخنان ایشان ایدئولوژی در حکومت و در محدودیت دولت قرار دادن ملّتی است برای حذف یا کنار گذاشتن جریان‌ها و گروه‌هایی که به شیوه‌ای از شیوه‌ها در راستای این ایدئولوژی نیستند و حکومت ایدولوگ سعی در تعریف روابطی خاص و از نو بازسازی روابط بین

افراد در جامعه داشته که با این تعریفها سعی در تربیت افراد جامعه برای ایدئولوژی خود دارد و بر این اساس فردی که در فرهنگ تکمحوری پرورش می‌یابد فردی است که از لحاظ حقوق سیاسی و اجتماعی خود دارای خودسانسوری و عدم تحمل فرد دیگر است. انفال پروسه‌ای است که در راستای گفتمان تکمحوری و تشکیل ملت عراق از حذف دولت عراق اجراء شده است.

بنابه نتیجه‌گیری آقای اسماعیل نژاد، حکومت عراق برای اجرای پروسه انفال نیازمند تربیت انسان بعثی می‌باشد که بتواند پروسه انفال را به اجراء بگذارد و در این راستا از نام یکی از سوره‌های قرآن کریم استفاده کرده و علت انفال مردم روستاها نیستند بلکه مردم گرد در روستاهای کردستان علت این امر بوده اند.

انسان بعثی توانایی تحمل و توافق با جناح‌ها و گروه‌های مقابل خود را ندارد و در نتیجه باید اظهار کرد که انسان تربیت شده بعث، قدرت شرکت در پروسه دمکراسی را نداشته و برای وی حذف بهتر از توافق است که سردمداران بعثی، دفاع از ملت عراق را بهانه‌ای قرار داده‌اند برای حفظ قدرت نامشروع خود و از آنجاکه کردها همواره از خاک خود دفاع می‌کنند این خصلت باعث شده که کردها را به عنوان دشمن تلقی کنند.

اکبر خلیلی، استاد دانشگاه پیام نور زرین‌دشت، عنوان «فاجعه حلبچه و نسل‌کشی مردم غیرنظامی» را برای مقاله خود انتخاب کرده که ایشان هدف از تشکیل شورای امنیت پس از جنگ دوم جهانی را تلاش برای جلوگیری از به‌وجود آمدن جنگ‌های وسیع و گسترده دانسته زیرا جنگ و نسل‌کشی موجب آوارگی افراد از سرزمین‌های خودشان است که مستمراً وقوع نسل‌کشی علیه کردها مورد انکار و تردید واقع شده و در سال ۱۷۶۳ اولین بار آمریکائیان علیه سرخ‌پوستان بومی آمریکا از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده‌اند.

آقای خلیلی، فاجعه حلبچه را سند جنایت عراق و ابرقدرت‌ها دانسته که ابتدا با آتش گلوله و خمپاره شروع و پس از گذشت چند ساعت، حمله شیمیایی آغاز شده که این فاجعه به‌وسیله ۵۰ هواپیما که هر کدام دارای ۴ بمب شیمیایی بوده‌اند صورت گرفته و زخمی روی اجساد قربانیان ایجاد نشد بلکه پوست اجساد به‌طور کامل بی‌رنگ شده بود. هرچند که روزنامه‌های معتبر اروپایی و آمریکایی به افشاگری در این خصوص پرداخته‌اند اما هنوز هم تولید سلاح‌های شیمیایی یکی از منابع کسب ثروت کشورهای است و تاکنون یک جنبش مخالف اینگونه سلاح‌ها راه نیفتاده و تا زمانی که اینگونه سلاح‌ها به‌طور کامل از بین نروند اینگونه فجایع همچنان تکرار خواهد شد. ۲

مقاله دیگر که توسط علی محمود با نام "دادپایکردنی کومثانیا بیانیه‌کان لة نیوان ختون و بةدیهااتندا" از کشور هلند و دیاکو حامیدی از نیروی برای قرائت انتخاب شده بودند در این همایش ارائه شدند؛ مقاله دیاکو حامیدی توسط بیان کریمی به زبان کردی قرائت گردید که در آن به مباحث ژنوساید حلبچه و دیدگاه‌ها و نظرگاه‌های مختلف و بررسی ریشه‌های این فاجعه پرداخته و جبران خسارت وارده را تنها راهکار فعلی قلمداد کردند.

در ادامه این سمینار فشرده یک روزه پیام مرکز حلبچه علیه انفال و ژنوساید کردها- چاک توسط خانم چیمین پارسا مهر مجری این سمینار قرائت شد. در پیام اختصاصی و مفصل مرکز حلبچه علیه انفال و ژنوساید کردها ضمن اشاره به اقدامات و جنایات صدام علیه کردها چه قبل از بمباران شیمیایی حلبچه و چه بعد از آن، هر کدام از آنها را مصداقی از ژنوساید دانسته که در آن نسبت به نحوه رسیدگی‌های دادگاه ویژه عراق و کم‌توجهی به پرونده حلبچه و انفال اعتراض شده و تشکیل يك دادگاه بین‌المللی را به جای يك دادگاه داخلی ضروری اعلام و در خاتمه در ۲۳ بند خواستار ادامه دادگاه انفال، اعلام اسامی تمامی بانیان به پلیس بین‌الملل و دستگیری آنان، توجه به درخواست مجروحین، معرفی تمامی دول و افراد همکار با حکومت بعث، اعلام ۱۶ مارس به عنوان روز جهانی مبارزه با سلاح های شیمیایی، تعیین روز ۱۶ مارس به عنوان روز عزای عمومی در کردستان، تبدیل منزل عمر خاور به موزه در شهر حلبچه، تکمیل موزه حلبچه و انفال، رفع تبعیض بین قربانیان، حمایت گسترده از بازماندگان قربانیان، تأمین رفاه و آسایش فرزندان شهداء حلبچه و انفال، مداوای جدي مجروحین و مصدومین، عذرخواهی رسمی از مردم کُرد، اعمال فشار بر دول یاری دهنده حکومت بعث، طرح دعوی علیه دولت‌ها و شرکت‌های تولیدکننده تسلیحات شیمیایی، تلاش برای شناسایی تمامی شهداء و افرادی که به‌طور دسته‌جمعی دفن شده‌اند، معذرت خواهی حکومت فعلی عراق از مردم سردشت، مریوان، زرده و ... در ایران و رسیدگی جداگانه به شکایات مردم سردشت در این دادگاه شده است.

در ادامه پیام جمعیت قربانیان بمباران شیمیایی حلبچه توسط ماردین حسامی مجری دیگر همایش قرائت گردید که جمعیت مذکور، وقوع این جنایت در جلو دیدگان کشورهای عضو ملل متحد و سازمان کشورهای اسلامی و اتحادیه عرب و تمامی سازمان‌های دفاع از حقوق بشر و سکوت این مجامع را چندان موجّه ندانسته و کشته شدن پنج‌هزار نفر و مصدوم شدن یکصد هزار نفر، بیانگر ابعاد وسیع یکی از جنایات صدام است که به طور جدی خواهان مجازات کلیه بانیان فاجعه سردشت، حلبچه و انفال شده‌اند زیرا ۷۰ درصد قربانیان انفال و نسل‌کشی کردها، زنان و اطفال بوده‌اند.

در این سمینار علمی و دانشگاهی، ضمن پخش چندین فیلم کوتاه از فجایع صورت گرفته علیه کردها و اجرای چندین قطعه موسیقی، چندین قطعه شعر از جانب آقایان علیرضا جمشیدی شاعر مشهور کرمانشاهی با زبان کردی کلهری، صلاح منوچهری، سالار عبداللهی و آوات خلیلی قرائت شد که اشعار صلاح منوچهری که ترجمه ای زیبا و دلنشینی از اشعار شیرکو بی‌کس به زبان فارسی بود موجبات تشویق و تحسین قابل توجه حضار را فراهم ساخت. پس از ارزیابی و داوری مقالات میز گردی با عنوان " بررسی حقوقی - سیاسی فجایع ضد انسانی حلبچه ، سردشت و انفال پس از دو دهه " برگزار گردید.

در اختتامیه سمینار، ضمن اهداء لوح یادبود سمینار به میهمانان و مقالات برگزیده پیام دانشجویان کُرد و هیأت اجرایی سمینار ارائه شد و در آن علت اساسی خلق فاجعه حلبچه نه تنها حکومت بعث، بلکه تفکر نژادپرستی و ضدانسانی بوده که تاریخ کردها مملو

از تراژدی‌های این چنین دهشتناکی است که تمامی آنها به قصد از بین بردن ملت کُرد صورت گرفته‌اند و این نسل‌کشی همچنان و در شرایط فعلی هم ادامه دارد پس شایسته است با شناساندن هر کدام از این فجایع به عنوان ژنوساید، مقدمات محاکمه عاملین آنها در دادگاهی بین‌المللی فراهم سازیم.

دبیر همایش ضمن تشکر و تقدیر از شرکت‌کنندگان و اساتید و پژوهشگران حاضر خواستار تداوم برگزاری اینگونه همایش‌ها و توسعه دستاوردهای علمی آن‌ش. همچنین جلال حاجی زاده در مصاحبه‌ای اختصاصی اعلام نمود که ۲۰ مقاله از داخل کشور و ۳ مقاله نیز از خارج کشور برای این سمینار ارسال شده‌اند که از بین آنها ۱۲ مقاله جهت ارائه برگزیده شده‌اند که تمامی مقالات ارسالی در آینده‌ای نزدیک منتشر خواهند شد. شایان ذکر است که از زحمات چندین ساله هنرمند کُرد، «علی عابدی» در خلق آثار هنری و مرثیه‌های مربوط به جنایتهای صورت گرفته علیه کُردها به طور خاص تجلیل به عمل آمد. لازم به ذکر است که در مقابل درب ورودیتالار و محوطه دانشگاه تصاویر و عکسهای از قربانیان و شهدا بمباران شیمیایی حلبچه و سردشت در معرض دید عموم قرار داده شده بود.

- شایان ذکر است که این سمینار که در ۱۴/۱۲/۱۳۸۷ مجوز آن با دستور مستقیم وزارت علوم باطل اعلام شده بود با تلاش و هوشیاری دانشجویان کرد دانشگاه اصفهان مجدداً در سالجاری تجدید گردید این در حالی بود که برای بار دوم یکروز قبل از برگزاری مراسم مجوز برگزاری سمینار توسط مسؤلان دانشگاه باطل اعلام شده بود که با تجمع آرام مقابل درب ریس دانشگاه و مسؤل حراست سر انجام پس از سه ساعت مذاکره نمایندگان دانشجویان در ظهر سشنبه با آنان ناچار از پذیرش آن گردیدند.

- این سمینار از ساعت ۹ الی ۶.۳۰ عصر چهارشنبه در تالار صدر دانشگاه اصفهان با مشارکت و استقبال زیاد دانشجویان کرد و غیر کرد برگزار گردید.
- از طرف میر حسین موسوی پیامی مستقیماً تحت عنوان "حلبچه قربانی دنیای متجدد" به منظور قرائت در این سمینار ارسال شده بود که توسط دبیر سمینار به علت شائبه تبلیغاتی از دستور کار همایش خارج گردید و خوانده نشد.